

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید

جلسه ۲۵، روح القدس، بخش ۲

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیو متیوسون در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید هستم. این جلسه ۲۵ در مورد روح القدس، بخش ۲ است.

ما در مورد موضوع الهیاتی عهد جدید یا روح القدس در عهد جدید بحث کرده‌ایم و دو نکته را برای خلاصه کردن آنچه گفتیم، برجسته می‌کنیم.

اولاً، دیدیم که روح القدس منحصرأ یک موضوع عهد جدید نیست. این یک موضوع کلیسا نیست. این چیزی نیست که فقط در عهد جدید و توسط نویسندگان عهد جدید پدیدار شود یا ظاهر شود، بلکه دیده‌ایم که روح القدس نقش اساسی در عهد عتیق ایفا می‌کند، به طوری که نقش اساسی در توسعه الهیاتی کتاب مقدس در مورد فعالیت تاریخی نجات‌بخش خدا با قوم خود دارد.

و دوم اینکه، در رابطه با آن، دیده‌ایم که روح القدس در سراسر عهد جدید همیشه، اگرچه نویسندگان عهد جدید گاهی اوقات آن را تصور می‌کنند، به خصوص همانطور که امروز خواهیم دید، آن را با تصاویر و زبان متفاوتی تصور می‌کنند که ممکن است در عهد عتیق پیدا نکنید. روح القدس همیشه باید به عنوان تحقق وعده‌های خدا برای اعطای روح خود در رابطه با عهد جدید و ریختن روح خود بر قومش تلقی شود. روح القدس همیشه نشانه‌ای است که عصر جدید نجات طلوع کرده است و اینکه خدا اکنون روح خود را در تحقق وعده‌های عهد عتیق خود ریخته است.

و ما دیده‌ایم که حتی در انجیل‌ها و اعمال رسولان، روح القدس به مردم قدرت می‌دهد تا به او خدمت کنند. این روح، قوم واقعی خدا را شناسایی و نشان می‌دهد. ما همچنین دیده‌ایم که روح القدس نقش کلیدی در گفتار و نبوت، یعنی در کلام الهام‌بخش و زبان نبوی، ایفا می‌کند.

اما کاری که الان می‌خواهم انجام دهم این است که به بقیه عهد جدید پردازم و توجه کنم که چگونه پیکره‌های مختلف ادبی، موضوع روح القدس را بسط می‌دهند. ما به صورت کانونی پیش خواهیم رفت. به نامه‌های پولس نگاهی خواهیم انداخت.

در نوشته‌های پولس، روح القدس همه جا حاضر است. شما آن را در همه جا، در ارجاعات به روح القدس می‌بینید. اما ما به چند متن در نامه‌ها یا رساله‌های عمومی نگاهی خواهیم انداخت و سپس با بررسی عملکرد روح القدس و نقش روح القدس در کتاب مکاشفه، بحث را به پایان خواهیم رساند.

اما یک بار دیگر، ویژگی کلیدی که باید درک شود این است که روح القدس در ادبیات پولس و جاهای دیگر نشانه‌ای از طلوع عصر جدید نجات است، عصر جدید نجاتی که توسط انبیای عهد عتیق پیشگویی شده و در عهد عتیق وعده داده شده است. اکنون که عصر جدید طلوع کرده است، خلقت جدید خدا، پادشاهی او، نجات عهد جدید و روح القدس نشانه‌ها یا نشانه‌هایی از وقوع آن هستند. و بنابراین کاری که من می‌خواهم انجام دهم این است که به نامه‌های پولس نگاه کنم.

و یک بار دیگر، ما وقت نداریم که تمام متن و تمام جزئیات را بررسی کنیم و هر روشی را که روح القدس عمل می‌کند، بررسی کنیم. اما یک بار دیگر، می‌خواهم برخی از تمرکزهای غالب یا مضامین غالب در رابطه با روح القدس را بررسی کنم، به خصوص با توجه به تحقق عهد عتیق و با توجه به برخی از چیزهایی که در

انجیل‌ها و اعمال رسولان دیده‌ایم. حال، با نامه‌های پولس، اولین چیزی که باید تشخیص دهیم این است که روح القدس برای نشان دادن حضور خدا در معبد با قوم خود عمل می‌کند.

بنابراین، در چندین جای نامه‌های پولس، ما فقط به چند مورد از آنها نگاه خواهیم کرد، اما در چندین جا روح القدس را به عنوان وسیله‌ای که خدا از طریق آن با قوم خود ساکن می‌شود، می‌بینیم. این امر در ارتباط با مضمون الهیاتی کتاب مقدس در مورد معبد انجام می‌شود، جایی که اگر به بحث ما در مورد معبد برگردید به یاد می‌آورید که تصویر معبد و زیان معبد به خود قوم منتقل شده و در آنها تحقق می‌یابد. اما سپس حضور خدا در میان قومش، معبد خیمه خدا که با قوم خود ساکن است، از طریق روح القدس دیده می‌شود.

از طریق روح خداست که او با قوم خود ساکن می‌شود. بنابراین، برای مثال، دوم، ما متن عهد عتیق را دوباره در رابطه با سکونت در معبد بررسی نمی‌کنیم، اما در دوم قرنیتان، فصل‌های ۶ و ۱۶، قبلاً دیده‌ایم که در اول قرنیتان، پولس شروع به بسط مضمون معبد می‌کند. او با استفاده از ضمیر جمع، قرنیتان را مخاطب قرار می‌دهد.

آیا نمی‌دانید که خودتان معبد خدا هستید؟ یا خودتان معبد هستید، اول قرنیتان فصل ۳. اما کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به دوم قرنیتان فصل ۶ نگاه کنم، و ما قبلاً آن متن را بررسی کرده‌ایم. اما در فصل ۶، آیه ۱۶، چه توافقی بین معبد خدا و بت‌ها وجود دارد؟ زیرا ما معبد خدای زنده هستیم. و سپس، همانطور که خدا گفته است، من با آنها زندگی خواهم کرد و در میان آنها راه خواهم رفت.

من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود. ما به این موضوع از دیدگاه نویسنده نگاه کردیم، نه تنها به قرنیتان به عنوان معبد خدا اشاره کردیم، بلکه از متنی از عهد عتیق نیز نقل قول کردیم، ترکیبی از دو متن که در واقع از حزقیال فصل ۳۷ و لاویان فصل ۲۶ هستند. لاویان ۲۶، پیشگویی می‌کند که خدا در خیمه خود ساکن خواهد شد.

حزقیال فصل ۳۷، سکونت خدا در معبد آخرالزمانی‌اش را که حزقیال در ادامه توصیف می‌کند، پیش‌بینی می‌کند. حال، نویسنده این موضوع را در مورد مؤمنان قرنیتس به کار می‌برد. و ما احتمالاً این را درک خواهیم کرد، اگرچه دقیقاً نمی‌گویید که آنها چگونه معبد خدا هستند. چگونه خدا با آنها زندگی می‌کند و در میان آنها قدم می‌زند؟ اگر به اول قرنیتان فصل ۳ و آیه ۱۶ برگردید، این متنی است که پولس در آن می‌گوید، آیا نمی‌دانید که شما خود معبد خدا هستید و روح خدا در میان شما ساکن است؟ بنابراین، در اول قرنیتان فصل ۳ و آیه ۱۶ و همراه با دوم قرنیتان ۱۶:۶، کلیسا معبد خداست که او از طریق روح القدس خود در آن ساکن است.

شما مضمون مشابهی را در کتاب افسسیان و فصل ۲ می‌یابید، بخشی طولانی که از آیه ۱۱ شروع می‌شود و در آن پولس بر اساس متن نبوی عهد عتیق از اشعیا، رابطه بین یهودی و غیریهودی را در حال بازسازی توصیف می‌کند. وعده اشعیا مبنی بر بازسازی اکنون توسط اتحاد یهودیان و غیریهودیان توسط خدا محقق شده است. این روایت با اشاره به قوم خدا در مورد معبد به اوج خود می‌رسد.

و بنابراین، در آیه ۱۹، در نتیجه، شما دیگر بیگانه و غریب نیستید، بلکه همشهری قوم خدا و همچنین عضوی از خانواده او هستید، که می‌توان آن را به عنوان تصویر کلی خانواده در نظر گرفت. اما سپس ادامه می‌دهد، بر پایه رسولان و انبیا بنا کنید، که خود عیسی مسیح سنگ بنای اصلی در اوست. کل ساختمان به هم پیوسته و بالا می‌رود تا به یک معبد مقدس در خداوند تبدیل شود.

بنابراین، کاربرد زیان معبد برای کلیسا، اما سپس در آیه ۲۲ با این جمله پایان می‌یابد، و در او، شما دو نفر با هم ساخته می‌شوید تا به مسکنی تبدیل شوید که خدا در آن به وسیله روح خود زندگی می‌کند. بنابراین، روح

وسيله‌ای است که حضور خدا از طریق آن خیمه، حضور معبد و سکونتگاه معبد اوست و اکنون او در میان قوم خود است. من همچنین پیشنهاد کردم که احتمالاً باید فصل ۵ و آیه ۱۸ افسسیان را به همین ترتیب بخوانیم.

اگرچه نویسنده در فصل ۵، آیه ۱۸ از کلمه معبد استفاده نمی‌کند، اما پولس می‌گوید که با شراب مست نشوید، که منجر به هزگی می‌شود، بلکه در عوض از روح پر شوید. احتمالاً باید این را نیز بر اساس حضور خدا در حزقیال و سایر متون عهد عتیق درک کنیم، حضور خدا معبد را پر می‌کند، معبد پر از جلال، خداست به طوری که روح اکنون، به ویژه با توجه به آنچه پولس در افسسیان ۲ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ گفت اکنون روح کلیسا را پر می‌کند. و احتمالاً نباید فصل ۵، آیه ۱۸ افسسیان را منحصرأ به صورت فردی بخوانیم، بلکه باید آن را به صورت جمعی بخوانیم.

کل کلیسا معبدی است که خداوند آن را از طریق یا به وسیله روح القدس خود با حضور باشکوه خود پر می‌کند. بنابراین، اولین کارکرد اصلی روح القدس که در نامه‌های پولس می‌یابیم این است که از طریق روح است که حضور معبد خدا اکنون در میان قومش ساکن است. حضور معبد توسط روح القدس خدا واسطه‌گری می‌شود.

خداوند به وسیله روح خود با قوم خود یا در معبد خود ساکن است. مطابق با سایر متون قدیمی عهد جدید، و باز هم، این را می‌توان به عنوان نوعی عملکرد فراگیر روح در نظر گرفت، روح القدس نشانه‌ای از آغاز عصر جدید نجات است. عصر جدید نجات که در انبیای عهد عتیق پیشگویی شده است، عهد جدیدی که انبیا انتظار داشتند، به عنوان مثال حزقیال فصل ۳۶، و تمام متونی که به جاری شدن روح خدا، در اشعیا فصل ۴۴، یوئیل فصل ۲ و جاهای دیگر اشاره دارند، اکنون در حضور روح القدس با قوم خود، کلیسا، کلیسای متشکل از یهودی و غیر یهودی، تحقق می‌یابد.

همانطور که گفتیم، اغلب می‌بینیم که پولس از استعاره‌های مختلفی برای اشاره به روح استفاده می‌کند. خواهیم دید که او از زبان مهر کردن یا تعمید دادن یا دوباره پر کردن استفاده می‌کند، اگرچه حتی زبان پر کردن در افسسیان ۵ نیز مفهومی از عهد جدید نیست. احتمالاً به پر کردن معبد توسط خدا با حضور باشکوه خود برمی‌گردد.

اما ممکن است برخی از زبان‌ها با آنچه در عهد عتیق می‌یابیم متفاوت باشد، اما در عین حال، واضح است که پولس روح القدس را به عنوان نشانه‌ای از آغاز عصر جدید نجات، عهد جدید، خلقت جدیدی که در ادبیات نبوی پیش‌بینی شده است، درک می‌کند. بنابراین، برای مثال، برای نشان دادن روش‌های مختلفی که پولس عملکرد روح القدس را می‌بیند، در فصل ۱ و آیه ۱۴، باید آیه ۱۳ را نیز بخوانیم، و شما نیز وقتی پیام حقیقت، انجیل نجات خود را شنیدید، در مسیح گنجانده شدید، وقتی ایمان آوردید که در او، در مسیح، با مهر، روح القدس موعود، نشان‌دار شده‌اید. جالب است، همانطور که او آن را به عنوان روح القدس موعود توصیف می‌کند.

چه کسی و در کجا به او وعده داده شده بود؟ احتمالاً دوباره، اشاره‌ای به عهد عتیق، روح القدسی که خدا وعده داده بود در قوم خود بریزد. برکت وعده داده شده روح القدس که دوباره در اشعیا و حزقیال یافت می‌شود و در اعمال رسولان درباره آن می‌خوانیم، روح القدسی که مسیح وعده داده است در قوم خود بریزد، در تحقق یوئیل فصل ۲ در اعمال رسولان فصل ۲. بنابراین، این روح القدس وعده داده شده است. باز هم پولس از زبان مهر استفاده می‌کند که نشان دهنده امنیت و حفاظت و نگهداری است، اما در متن این است که اتفاق جدیدی نمی‌افتد، بلکه چیزی کمتر از روح القدس وعده داده شده نیست.

آیه ۱۴، که بیعانه‌ای است که میراث ما را تضمین می‌کند، به زبان عهد عتیق، میراث ما تا رستگاری کسانی که دارایی خدا هستند تا جلال او ستایش شود. بنابراین، روح القدس سپس عمل کرد؛ روح القدس ریخته شده به عنوان تضمین میراث آینده ما عمل می‌کند و به عنوان تضمین میراث بیشتر در آینده عمل می‌کند. اما روح القدس چیزی کمتر از آن چیزی نیست که خدا به قوم خود وعده داده است.

رومیان فصل ۸ و آیه ۲۳، فقط به گزیده‌ای از متون نگاه کنید، نه تنها در آیه ۲۲، بلکه در همان زمینه‌ای که روح القدس، همانطور که در افسسیان دیدیم، بر ما ریخته می‌شود، روح القدس موعود، به عنوان تضمین میراث آینده ما. آیه ۲۲ از رومیان ۸، ما می‌دانیم که تمام خلقت تا به امروز مانند درد زایمان ناله کرده است، نه تنها این، بلکه خود ما که اولین ثمرات روح را داریم، در حالی که مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی خود، یعنی رهایی بدن‌هایمان هستیم، در درون خود رشد می‌کنیم.

بنابراین، بار دیگر، روح القدس همانطور که در عهد عتیق وعده داده شده بود، به عنوان ضمانت نازل می‌شود، و در اینجا، پولس بیشتر از زبان عهد عتیق یعنی «نوبرها» استفاده می‌کند. روح القدس به عنوان اولین میوه از میوه‌های بیشتری که قرار است بیاید، بر ما نازل می‌شود، که میراث آینده ما، رستگاری فیزیکی بدن‌های ما در خلقتی جدید است. بنابراین، روح القدس به عنوان یک نشانه، یک ضمانت، عمل می‌کند که عصر جدید نجات از قبل وجود دارد و حتی قبل از تجلی آینده آن، آغاز شده است.

افسسیان فصل ۴ و آیه ۳۰، فقط می‌خواهم به این مورد اشاره کنم چون نویسنده می‌گوید، نگذارید هیچ حرف بدی از دهانتان بیرون بیاید، این آیه ۲۹ افسسیان ۴ است، نگذارید هیچ حرف بدی از دهانتان بیرون بیاید، بلکه فقط چیزی بگویید که برای بنای نیازهایشان مفید باشد، تا به کسانی که گوش می‌دهند سود برساند. و روح القدس را که با او برای روز رستگاری مهر شده‌اید، غمگین نکنید. حال، چند نکته در مورد این متن جالب است.

اول از همه، به شباهت بین فصل ۱ و آیه ۱۳ افسسیان توجه کنید، که در آن روح القدس به عنوان مهربی عمل می‌کند که میراث آینده ما را تضمین می‌کند. به تعادل بین «از قبل» و «نه هنوز» توجه کنید. روح القدس از قبل به عنوان تضمین میراث آینده ما نازل شده است.

دوم، به ارتباط آن با عهد عتیق توجه کنید. در فصل ۶۶ کتاب اشعیا، وقتی آموزه‌های عهد عتیق در مورد روح القدس را بررسی کردیم، در فصل ۶۶ کتاب اشعیا، به روح القدس که در قوم خدا در عهد عتیق ریخته شده بود، یعنی نسل بیابان‌نشین قوم خدا، و این واقعیت که آنها روح القدس را غمگین می‌کنند، اشاره کردیم. به عبارت دیگر، پولس در اینجا به این نکته اشاره می‌کند، فکر می‌کنم مستقیماً به فصل ۶۶ کتاب اشعیا اشاره می‌کند، و نشان می‌دهد که اکنون به قوم واقعی خدا هشدار داده می‌شود که همان اشتباهی را که اجدادشان مرتکب شدند، مرتکب نشوند، و این کار را از طریق سخنانشان انجام می‌دهند که اکنون روح القدس را که در تحقق وعده‌های عهد عتیق، به عنوان تضمینی برای رستگاری آینده‌شان، بر آنها ریخته شده است، غمگین می‌کنند.

رومیان، فصل ۸ و آیه ۱۶. نگاهی به یک نمونه دیگر از متون عهد جدید که نزول روح القدس را به عنوان نشانه‌ای از طلوع عصر جدید نجات توصیف می‌کند. فصل ۸ و آیه ۱۶.

آیه ۱۵ را هم می‌خوانم. روحی که دریافت کرده‌اید، شما را برده نمی‌کند تا دوباره در ترس زندگی کنید؛ بلکه روحی که دریافت کرده‌اید، مفهومش در زمان نجات و در تحقق وعده عهد عتیق در مورد طلوع عصر جدید دریافت می‌شود. روحی که دریافت کردید، فرزندخواندگی شما را به ارمغان آورد و به واسطه او، ای پدر، فریاد می‌زنیم.

خودِ روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. بنابراین اکنون روح القدس نشانه‌ای است که فرزندان واقعی خدا چه کسانی هستند. روح القدس نشانه‌ای است که ما واقعاً قوم خدا هستیم و در عصر جدید نجات که اکنون طلوع کرده است، شرکت کرده‌ایم.

بنابراین، روح القدس به عنوان تضمینی عمل می‌کند که عصر جدید اکنون فرا رسیده است و نشانه یا شاخصی است که نشان می‌دهد قوم واقعی خدا چه کسانی هستند. در همین رابطه، می‌توانیم به انبوهی از متون دیگر که در مورد کار روح در رابطه با نجات صحبت می‌کنند، نگاهی بیندازیم. این در واقع یک دسته جداگانه نیست، بلکه به دسته اول تعلق دارد.

روح نشانه‌ی فرا رسیدن عصر جدید نجات است که در تحقق وعده‌های عهد عتیق مبنی بر اینکه خداوند روح خود را بر قومش خواهد ریخت، آمده است. با این حال، متنی که ما در رومیان، فصل ۸ و آیه ۱۶ با آن به پایان رساندیم، نقش حیاتی روح القدس را نشان می‌دهد و آن این است که روح، نشانگر هویت قوم واقعی خداست. ما همین الان رومیان، فصل ۸، آیه ۱۶ و آیه ۸ را خواندیم. با این حال، شما در قلمرو جسم نیستید، بلکه در قلمرو روح هستید، اگر در واقع روح خدا در شما زندگی می‌کند.

و سپس، اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، به مسیح تعلق ندارد. جالب اینجاست که پولس نیز روح خدا را با روح مسیح برابر می‌داند. اما روح القدس نشانه‌ای از این واقعیت است که ما قوم واقعی خدا هستیم.

نشانه‌ای از این واقعیت که اکنون ما در قلمرو روح هستیم و بار دیگر با قوم خدا ارتباط برقرار می‌کنیم. ما باید با قوم خدا و کسانی که اکنون در قلمرو عصر جدید نجات خدا که طلوع کرده است، هستند، شناخته شویم. حتی واضح‌تر از آن، فصل ۳ غلاطیان است که در آن اشارات بیشتری به روح القدس می‌یابیم.

روح القدس برای بحث غلاطیان بسیار مهم است. بخشی از کاری که پولس در غلاطیان انجام می‌دهد استدلال علیه به اصطلاح یهودی‌گرایی است که وارد شده‌اند. به یاد داشته باشید که گفتیم یکی از سوالات کلیدی که غلاطیان به آن می‌پردازد این است که قوم واقعی خدا چه کسانی هستند.

یهودیان با گفتن اینکه قوم حقیقی خدا، نوادگان فیزیکی ابراهیم هستند، به این سوال پاسخ می‌دهند. کسانی که واقعاً یهودی هستند، نشانه هویتی حفظ شریعت را برای خود برمی‌گزینند. برای مردان، این به معنای ختنه شدن بود.

برای هر کس دیگری، این به معنای نگه داشتن روز سبت و رعایت قوانین مربوط به غذا، معنای قوم خدا بودن و معنای عادل شمرده شدن از طریق ایمان است.

بعداً به این اصطلاح خواهیم پرداخت. اما اینکه عادل شمرده شدن، تجربه رستگاری خدا، و مشارکت در برکات ابراهیم به چه معناست. فرد باید از نسل فیزیکی ابراهیم باشد، یا باید با پذیرفتن نشانه‌های هویتی شریعت، خود را با نسل فیزیکی ابراهیم یکی بداند.

حال، در پاسخ به این، پولس شروع به پرسیدن از مسیحیان غیریهودی غلطیه خود می‌کند که وسوسه می‌شوند با آن طرف شوند و آن را بپذیرند و با یهودی‌گرایان همراه شوند. او در آیه ۲ با این جمله شروع می‌کند که من فقط می‌خواهم یک چیز از شما یاد بگیرم. آیا روح را از طریق اعمال شریعت دریافت کردید یا با ایمان به آنچه شنیدید؟ آیا شما که با روح شروع کردید، آنقدر نادان هستید که اکنون می‌خواهید با جسم به پایان برسید؟ آیا این همه چیز را بیهوده تجربه کرده‌اید؟ اگر واقعاً بیهوده بوده باشد، این همان چیزی است که آنها در روح القدس و با دریافت روح تجربه کرده‌اند.

بنابراین، آیه ۵، پس دوباره از شما می‌پرسم، آیا خدا روح خود را به شما می‌دهد و معجزات را در میان شما از طریق اعمال شریعت انجام می‌دهد یا با ایمان به آنچه شنیده‌اید؟ به عبارت دیگر، پولس ریزش روح القدس و دریافت روح القدس را تضمینی برای این می‌داند که آنها قوم واقعی خدا هستند. به عنوان نشانگر هویتی که آنها به قوم خدا تعلق دارند. و بنابراین من فکر می‌کنم پولس یک بار دیگر به وعده‌های عهد عتیق در مورد ریختن روح خدا بر قومش برمی‌گردد.

وعده‌ها معمولاً در زمینه احیای قوم خدا، اسرائیل، در عهد عتیق مطرح می‌شوند. حال، پولس صرفاً از آنها می‌پرسد که آیا روح القدس را صرفاً با ایمان به عیسی مسیح دریافت کرده‌اند، یا آن را در ارتباط با حفظ شریعت عهد عتیق دریافت کرده‌اند؟ نتیجه این است که ما باید روح القدس را هنگامی که به مسیح ایمان می‌آوریم، دریافت کنیم. این همان روح القدس موعود عهد عتیق است که خدا گفت اگر غلاطیان آن را دریافت می‌کردند، در قوم خود جاری می‌کرد.

این گواهی بر هویت آنها به عنوان قوم خدا است. آنها شریعت موسی را رعایت نمی‌کنند، بلکه صرفاً روح القدس را به عنوان روح القدس موعود که خدا در عهد عتیق بر قوم خود نازل می‌کرد، دریافت می‌کنند. روح القدس آغاز عصر جدید نجات را تضمین یا نشان می‌دهد. اگر غلاطیان این را صرفاً با ایمان به انجیل و ایمان به مسیح تجربه کرده‌اند، پس نیازی ندارند که یوغ شریعت را به عنوان نشانه‌ای از هویت قوم خدا بودن بر خود بگیرند.

بنابراین، روح به عنوان یک نشانگر هویتی عمل می‌کند که نشان می‌دهد قوم واقعی خدا چه کسانی هستند. روح القدس با فرزندخواندگی مرتبط است و با موضوع نشانگرهای هویتی قوم خدا مرتبط است. روح القدس با دریافت روح القدس، تضمین می‌کند که آنها پسران خدا هستند.

اینکه مسیحیان غیریهودی در غلاطیان، برای مثال، و همه قوم خدا، یهودی و غیریهودی، اکنون پسران واقعی یا فرزندان واقعی خدا هستند. بنابراین، در همان کتاب، غلاطیان فصل ۴ و آیه ۶، پولس دوباره همین موضوع را مطرح می‌کند. چگونه می‌دانیم که واقعاً پسران خدا هستیم؟ این زبان پسرخواندگی، همانطور که در سخنرانی بعدی خود هنگام صحبت در مورد نجات خواهیم دید، مضمون کتاب مقدسی-الهیاتی عهد جدید در مورد نجات است.

پسرخواندگی را باید بار دیگر در چارچوب وعده‌های خدا به اسرائیل و در چارچوب رفتار خدا با اسرائیل درک کرد. اسرائیل پسر حقیقی خدا بود. اسرائیل پسرخوانده خدا و قوم او بود.

حال سوال این است که ما بر چه اساسی فرزندان خدا هستیم؟ چه چیزی نشان دهنده یا تضمین کننده این است که ما واقعاً فرزندان خدا، پسران خدا، در تحقق وعده‌های عهد عتیق او به اسرائیل هستیم؟ در فصل ۴ و آیه ۶، چون شما پسران او هستید، خدا روح پسرش را به قلب‌های ما فرستاد، روحی که ابا پدر را صدا می‌زند. متن جدید انجیل که من به آن نگاه می‌کنم، با حروف بزرگ نوشته شده است، و روشن می‌کند که این اشاره به روح القدس است. باز هم، این اشاره به وعده‌های عهد عتیق خدا است که روح خود را بر قوم خود می‌ریزد. بنابراین اکنون این واقعیت که غلاطیان می‌توانند اعتراف کنند که خدا پدر است تا فریاد بزنند ابا پدر، پولس می‌گوید، به این دلیل است که آنها روح القدس موعود را از عهد عتیق دارند و در اختیار دارند، همانطور که خدا بر قوم خود می‌ریزد.

نکته بسیار جالب دیگر این است که طبق استدلال پولس در غلاطیان، به نظر می‌رسد روح القدس برای پولس با وعده‌ای که به ابراهیم داده شده بود، برابر است. یعنی وقتی به عقب برمی‌گردید و به وعده‌های عهد عتیق که به ابراهیم داده شده است نگاه می‌کنید، پولس آن را در نهایت به عنوان برکت روح القدس

می‌بیند. این واقعیت که خدا وعده داده است که ابراهیم و همه ملت‌های زمین را برکت دهد، برکتی است که روح‌القدس از روح خدا جاری می‌کند.

غلاطیان فصل ۳ و آیه ۱۴. ببینیم، برمی‌گردم بالا و آیه ۱۳ را می‌خوانم. مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید.

زیرا نوشته شده است که هر که به دار آویخته شود، ملعون است. او ما را باز خرید کرد تا برکتی که به ابراهیم داده شد، اکنون به غیریهودیان برسد. به وسیله مسیح عیسی، ما می‌توانیم وعده روح‌القدس را از طریق ایمان دریافت کنیم.

باز هم، وعده روح‌القدس فقط آن روح‌القدسی نیست که خدا اکنون در عهد جدید به مسیحیان وعده می‌دهد. بلکه آن روح‌القدس موعودی است که خدا از عهد عتیق وعده داده است که بر قوم خود نازل کند. و اکنون پولس آن را با وعده‌ای که به ابراهیم داده شده بود، مرتبط می‌کند.

بنابراین، در فصل ۱۲ پیدایش و فصل‌های بعدی پیدایش، وقتی خدا به ابراهیم وعده می‌دهد و قول می‌دهد که او و همه ملت‌های زمین را برکت دهد، آن وعده اکنون بالاخره می‌تواند عملی شود. اکنون که مسیح اسرائیل را از زیر شریعت رهایی بخشیده است، برکت ابراهیم اکنون می‌تواند بر یهودیان و غیریهودیان به طور یکسان جاری شود، که همان روح‌القدس موعود است. در واقع، اگر به فصل ۴۴ اشعیا برگردید، فکر می‌کنم یک شناسایی مشابه را می‌بینید.

اشعیا فصل ۴۴ و آیه ۳، زیرا من بر زمین تشنه آب خواهم ریخت، ما این متن را قبلاً در رابطه با وعده روح‌القدس در عهد عتیق خواندیم و به ارتباط بین ریختن آب و ریختن روح اشاره کردیم، که گاهی اوقات در عهد جدید نیز می‌یابید. زیرا من آب را بر زمین تشنه و نهرها را بر زمین خشک خواهم ریخت. من روح خود را بر فرزندان تو و برکت خود را بر فرزندان تو خواهم ریخت.

بنابراین، جالب اینجاست که آن زبان... و اگر به عقب برگردید، او در آیه ۲ خطاب به مردم می‌گوید، ای یعقوب، بنده من، مترس. پس به زبان فرزندان و نوادگان من توجه کنید و آنها را برکت دهید. این زبان عهد ابراهیمی را از پیدایش ۱۲ و جاهای دیگر در پیدایش و عهد عتیق به یاد می‌آورد. بنابراین، حتی به نظر می‌رسد که اشعیا فصل ۴۴ وعده به فرزندان ابراهیم را با برکتی که به عنوان ریزش روح‌القدس به نوادگان او می‌رسد، برابر می‌داند.

و بنابراین اکنون می‌بینیم که پولس در غلاطیان فصل ۳ و آیه ۱۴ چیزی مشابه می‌گوید، مبنی بر اینکه برکتی که اکنون به ابراهیم داده شده است، رفتن به سوی غیریهودیان در تحقق عهد عتیق است، و تا اینکه با ایمان بتوانیم وعده روح‌القدس را دریافت کنیم. شاید ما متونی مانند اشعیا ۴۴ را به یاد می‌آوریم. بنابراین روح‌القدس نیز باید به عنوان وعده‌ای که به ابراهیم داده شده است، شناخته شود.

فکر می‌کنم ما همچنین یک بار دیگر روح‌القدس را در تحقق آنچه در حزقیال ۳۶ می‌بینیم و نجات عهد جدید که قرار است بر اساس وعده داده شده در حزقیال ۳۶ آغاز شود، می‌یابیم. همچنین می‌بینیم که پولس، روح‌القدس را با تجدید و تولد دوباره مرتبط می‌کند، بسیار شبیه به آنچه مثلاً در یوحنا فصل ۳ می‌بینید. بنابراین، تیطوس فصل ۳ و آیه ۵. ما به بسیاری از اشارات به نامه‌های شبانی نگاه نکرده‌ایم، بنابراین در اینجا یکی از آنها را می‌آوریم. او ما را نه به خاطر کارهای درستکاری که انجام داده‌ایم، بلکه به دلیل رحمت خود نجات داد.

او ما را از طریق غسل تولد دوباره و تجدید حیات توسط روح القدس نجات داد، که او را سخاوتمندانه از طریق عیسی مسیح، ناجی ما، بر ما نازل کرد. دوباره، به آن زبان ریختن روح توجه کنید، که به نظر می‌رسد دوباره متن عهد عتیق را منعکس می‌کند. به ارتباط با غسل و زبان تولد دوباره یا تجدید حیات و تجدید حیات توجه کنید.

به نظر من، همه اینها زبان عهد عتیق را به یاد می‌آورد، به طوری که بار دیگر روح القدس نشانه‌ای است از اینکه تجدید موعود، ریزش موعود روح القدس که تجدید حیات و تازگی را به ارمغان می‌آورد، حزقیال ۳۶ و جاهای دیگر، اکنون در شخص عیسی مسیح تحقق یافته است. و بنابراین، حتی در تیطوس ۳:۵ نیز ارتباط بین اکنون که عیسی، به دلیل مرگ و رستاخیزش، خداوند متعال است، اکنون که او قوم خود را نجات داده است، اکنون که او قادر است روح القدس موعود را بر قوم خود بریزد، را می‌یابید. همچنین می‌بینیم که روح القدس، در کار خود در ارتباط با نجات، خلقت جدیدی را آغاز می‌کند.

این روح القدس است که خلقت جدید را به وجود می‌آورد، و او این کار را با ایجاد حیات رستاخیزی خلقت جدید انجام می‌دهد. اول قرن‌تین، فصل ۱۵ و آیه ۴۵. تعدادی متن در اول قرن‌تین ۱۵ وجود دارد که می‌توانیم بخوانیم، اما در آیه ۴۵ نوشته شده است: انسان اول، آدم، موجود زنده شد، آدم آخر، روح حیات‌بخش.

آیه ۴۶، روحانی ابتدا نیامد، بلکه جسمانی و پس از آن روحانی. بنابراین، حیات رستاخیزی خلقت جدید اکنون توسط عیسی مسیح جاری می‌شود. بنابراین، روح القدس با ابلاغ حیات روحانی یا رستاخیزی خلقت جدید به ما، پیش از رستاخیز جسمانی قوم خدا که در زمان آمدن مسیح در آینده رخ خواهد داد، خلقت جدیدی را آغاز می‌کند.

بنابراین، روح القدس خلقت جدید را آغاز می‌کند، خلقت جدید وعده داده شده در عهد عتیق را با دادن حیات رستاخیز روحانی خلقت جدید به ما، که پولس به روشنی بیان می‌کند که ما به دلیل تعلق به مسیح که قیام کرد، در آن سهمیم هستیم، آغاز می‌کند. موضوع مهم دیگری که چیزی را که در پایان این دوره در مورد آن صحبت خواهیم کرد، پیش‌بینی می‌کند، روح القدس است. در سراسر عهد جدید، روح القدس را در رابطه با اخلاق مسیحی می‌یابیم.

قبلاً اشاره کردیم که روح القدس عهد جدیدی را آغاز می‌کند، اما بخشی از عهد جدید، اگر به ارمیا و حزقیال برگردیم، این است که خدا شریعت خود را بر قلب‌های ما خواهد نوشت. خدا روح خود را جاری خواهد کرد و قوم خود را قادر خواهد ساخت تا شریعت او را حفظ کنند و با اطاعت پاسخ دهند. او قلب سنگی آنها را از طریق روح القدس برمی‌دارد و به آنها قلب گوشتی می‌دهد.

بنابراین روح القدس نه تنها عهد جدید را آغاز می‌کند، بلکه از طریق روح القدس است که اکنون ما قادر به رعایت احکام خدا و زندگی‌ای هستیم که خدا از قوم خود می‌خواهد. در واقع، فکر می‌کنم اگر نامه‌های پولس را با دقت و از نزدیک بخوانید، متوجه می‌شوید که تمام دستورات پولس که او در نامه‌هایش به شکل فهرست ردایل و فضایل و سایر فرامین و دستورات ارائه می‌دهد، هرگز نباید به عنوان چیزهایی تفسیر شوند که به نوعی قدرت خودمان می‌توانیم آنها را انجام دهیم و تولید کنیم. اما به نظر من، پولس همیشه فرض می‌کند که اگرچه ما مسئول اعمال و فعالیت‌های خود هستیم، در نهایت، این روح القدس است که نوع زندگی‌ای را که خدا از ما می‌خواهد، تولید می‌کند.

فصل ۵ غلاطیان یکی از واضح‌ترین نمونه‌های این موضوع در بخش معروف میوه روح است. پولس با شروع، از آیه ۱۳ از فصل ۵ غلاطیان می‌گوید: «ای برادران و خواهران من، شما فراخوانده شده‌اید که آزاد باشید

اما از آزادی خود برای ارضای نفس استفاده نکنید. بلکه با فروتنی و محبت به یکدیگر خدمت کنید، زیرا «تمام شریعت با رعایت این یک حکم محقق می‌شود: همسایه خود را مانند خود دوست بدارید».

و سپس آیه ۱۶، پس به شما می‌گویم، به روح رفتار کنید، و خواهش‌های نفس را ارضا نخواهید کرد. زیرا نفس چیزی را می‌خواهد که خلاف روح است و روح چیزی را که خلاف نفس است. این دو با هم در تضاد هستند.

آیه ۱۸: اما اگر از روح هدایت شوید، زیر شریعت نیستید. اعمال نفس آشکار است: بی‌عفتی جنسی، ناپاکی، هرزگی و غیره. آیه ۲۲: اما ثمره روح، عشق، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویش‌ننداری است.

هیچ قانونی که مانع چنین کارهایی شود، وجود ندارد. آنان که از آن مسیح عیسی بوده‌اند، نفس را با هوس‌ها و امیالش مصلوب کرده‌اند. حال که ما به روح زندگی می‌کنیم، بیایید با روح نیز همراه باشیم.

به عبارت دیگر، آنچه فکر می‌کنم پولس در این بخش می‌گوید، و ما در پایان این دوره وقتی در مورد اطاعت موضوع الهیاتی اطاعت و شریعت صحبت می‌کنیم، به آن باز خواهیم گشت، اما آنچه فکر می‌کنم پولس در این بخش می‌گوید این است که در نهایت شریعت عهد عتیق تحت عهد عتیق به خودی خود نمی‌توانست بر جسم غلبه کند و در نهایت نمی‌توانست بر اعمال جسم غلبه کند. اما اکنون تنها با زندگی در روح القدس است، و تنها با زندگی در روح است، روح عهد جدید که شریعت خدا را در قلب‌های ما می‌نویسد، قلبی جدید و توانایی حفظ شریعت را به ارمغان می‌آورد، تنها با روح عهد جدید است که ما قادر به تولید حیاتی هستیم که شریعت عهد عتیق فقط به آن اشاره و پیش‌بینی می‌کرد. اکنون که می‌توان زندگی کرد، آن میوه را می‌توان با زندگی در اطاعت و همگامی با، همانطور که پولس می‌گوید، روح القدس، به دست آورد.

بنابراین، یک بار دیگر، فکر می‌کنم اگر این متن در مورد بی‌عدالتی را با توجه به وعده‌های عهد عتیق در مورد آمدن روح القدس، به ویژه وعده‌های عهد جدید در مورد نوشتن شریعت خدا در قلب‌هایمان، که به ما روح القدس را می‌دهد (حزقیال ۳۶ (نخوانیم، آن را به درستی نمی‌خوانیم. اکنون، روح القدس ما را قادر می‌سازد تا نوع زندگی مورد نظر خدا را ایجاد کنیم، نه اینکه تسلیم شریعت عهد عتیق شویم. و باز هم، غلاطیان ۶ یا ۵ سعی نمی‌کند ما را از مسئولیت مبرا کند، گویی کاری برای انجام دادن نداریم یا گویی هیچ مسئولیتی برای پاسخگویی و اطاعت نداریم.

در واقع، در فصل ۶، پولس ادامه می‌دهد و به خوانندگان خود دستورات خاصی می‌دهد، و تلویحاً می‌گوید که آنها می‌توانند یا نمی‌توانند از آنها اطاعت کنند. اما در نهایت، پولس متقاعد می‌شود که تنها با قدرت روح خدا، روح عهد جدید، می‌توانیم میوه تولید کنیم، یعنی آن نوع زندگی که خدا از قوم خود می‌خواهد و شریعت فقط به آن اشاره و پیش‌بینی کرده است. با رفتن به سراغ متون دیگر عهد جدید، تنها به چند اشاره به رساله‌های عمومی بسنده می‌کنیم، یعنی تقریباً هر چیزی که بین نامه‌های پولس و مکاشفه وجود دارد، اغلب رساله‌های عمومی نامیده می‌شود.

برای مثال، در کتاب عبرانیان، می‌بینیم که روح القدس نقش مهمی ایفا نمی‌کند. ما اشارات زیادی به روح القدس نمی‌یابیم. یکی از راه‌های عملکرد روح القدس، به طرز جالبی در عبرانیان، این است که نویسنده اغلب روح القدس را در حال صحبت از طریق کتاب مقدس می‌بیند.

بنابراین، وقتی نویسنده عبرانیان از متون عهد عتیق نقل قول می‌کند، اغلب آن را به سخن گفتن روح القدس، نسبت می‌دهد. بنابراین، این مضمون آشکار کردن روح القدس، سخن گفتن روح القدس، فصل ۹ و آیه ۸ روح القدس با این کار نشان می‌داد که تا زمانی که خیمه اول هنوز برپا بود، راه ورود به مقدس‌ترین مکان

آشکار نشده بود. این در پایان بحثی آمده است که نویسندگان در مورد چیدمان خیمه زمینی و اینکه چگونه کاهن فقط سالی یک بار می‌توانست وارد محراب داخلی شود، صحبت می‌کند، جایی که برای خود و گناهان مردم قربانی می‌کرد.

و سپس نویسندگان می‌گویند که روح القدس با این کار نشان می‌داد که راه رسیدن به مقدس‌ترین مکان هنوز آشکار نشده است. بنابراین، حتی در برخی از وقایعی که تحت عهد عتیق رخ می‌دهد، نویسندگان روح القدس را در حال اشاره به چیزی بزرگتر می‌بینند. یکی از واضح‌ترین اشارات به روح القدس در زمینه آنچه که ما در مورد آن بحث کرده‌ایم این است که روح القدس نشانه‌ای است مبنی بر اینکه عصر جدید نجات طلوع کرده است، خلقت جدید اکنون تحقق یافته و به واقعیت تبدیل شده است، در فصل ۶ و آیه ۴ یافت می‌شود. برای کسانی که زمانی روشن بین بوده‌اند، هدیه آسمانی را چشیده‌اند، در روح القدس سهیم بوده‌اند و خوبی کلام خدا را چشیده‌اند، غیرممکن است که به این مقام برسند.

جالب است که من در جای دیگری استدلال کرده‌ام که در فصل ۶، آیات ۴ تا ۶، همه آن چیزها، روشن شدن، چشیدن هدیه آسمانی، سهیم شدن در روح القدس، چشیدن خوبی کلام خدا، قدرت‌های عصر آینده، همه اینها متون عهد عتیق یا مضامین عهد عتیق را به یاد می‌آورند. و بنابراین، یک بار دیگر، روح القدس حتی در فصل ۶، نویسندگان متقاعد شده است که ریزش روح القدس یا تجربه و سهیم شدن در روح خدا چیزی جز مشارکت در روح القدس موعود از عهد عتیق نیست که خدا بر قوم خود خواهد ریخت. می‌توانم به تعدادی از اشارات در اول پطرس اشاره کنم.

من به هیچ وجه به آنها نمی‌پردازم، اما اول پطرس فصل ۱. اول پطرس فصل ۱ متنی است که تعدادی مشکلات تفسیری دشوار دارد و بحث‌هایی در مورد چگونگی برخورد با برخی از مثال‌ها وجود داشته است، اما من صرفاً می‌خواهم نگاه گسترده‌تری به آن در رابطه با موضوع روح القدس داشته باشم. اما آیات ۱۱ و ۱۲. من برمی‌گردم و آیه ۱۰ را می‌خوانم.

در مورد این نجاتی که نویسندگان در بخش اول فصل ۱ توصیف کرده‌اند، پیامبران، یعنی پیامبران عهد عتیق که از فیضی که قرار بود به شما برسد سخن می‌گفتند، با دقت فراوان جستجو کردند و کوشیدند زمان و شرایطی را که روح مسیح در آنها هنگام پیش‌بینی رنج‌های مسیح و جلال‌هایی که به دنبال آن خواهد آمد، به آن اشاره می‌کرد، دریابند. برای آنها آشکار شد که آنها نه به خودشان، بلکه به شما خدمت می‌کردند، هنگامی که از چیزهایی صحبت می‌کردند که اکنون توسط کسانی که انجیل را به شما موعظه می‌کنند، توسط روح القدس فرستاده شده از آسمان، به شما گفته شده است. حتی فرشتگان نیز مشتاقند که در این امور تحقیق کنند.

بنابراین، به دو نکته توجه کنید. اول، ارتباط دوباره روح القدس با نبوت، با سخنان و نبوت‌های نبوی، و همچنین اشاره به روح القدس فرستاده شده از آسمان، که فکر می‌کنم بار دیگر وعده‌های ریزش روح القدس در عهد عتیق، مانند یوئیل فصل ۲ و سایر متونی که بررسی کردیم را به یاد می‌آورد. باز هم یک متن مشکل‌ساز که وقت بررسی آن را نداریم، اما این متن جالب که در آن مسیح می‌رود و دوباره ارواح در زندان موعظه می‌کند، و ما وقت نداریم که به همه اینها پردازیم، اما آیه ۱۸.

آیه ۱۸ از اول پطرس ۳، زیرا مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج کشید، پارسایی برای ناراستان، تا شما را نزد خدا بیاورد. او در جسم کشته شد اما در روح زنده گشت. بنابراین اکنون، مطابق با آنچه که در جاهای دیگر عهد جدید از روح القدس دیده‌ایم، این احتمالاً اشاره‌ای به رستاخیز مسیح است.

آیه ۱۹ ادامه می‌دهد و می‌گوید، پس از زنده شدن، رفت و به ارواح محبوس موعظه کرد. احتمالاً این ترجمه خوبی است. بنابراین، اشاره به زنده شدن در روح، اشاره‌ای به رستاخیز خود عیسی است.

بنابراین، روح القدس، دوباره، با زنده کردن فیزیکی عیسی مسیح از مردگان، حیات خلقت جدید، حیات آینده را آغاز می‌کند. بنابراین، دوباره، حتی در برخی از رساله‌های عمومی، می‌توانیم به برخی دیگر از آنها نگاه کنیم، اشارات به روح القدس با آنچه در جای دیگر به عنوان بخشی از داستان رستگاری خدا می‌یابیم سازگار است، جایی که او اکنون وعده‌های عهد عتیق خود را مبنی بر ریختن روح خود به عنوان نشانه‌ای از اینکه عصر جدید نجات و برکات آن از قبل در شخص عیسی مسیح آغاز شده است، تحقق می‌بخشد. آخرین جایی که می‌خواهم... آخرین جایی که می‌خواهم باشم، و این همان پایان عهد جدید است که می‌خواهم در آن توقف کنم، کتاب مکاشفه است.

و ما اغلب کتاب مکاشفه را کتابی نمی‌دانیم که حاوی چیزی درباره روح القدس باشد. و حدس می‌زنم بسیاری از مردم فکر نمی‌کنند که واقعاً الهیات روح القدس را داشته باشد. یک بار دیگر، چون ما اغلب شیفته آخرت‌شناسی آن و آنچه ممکن است در مورد پایان جهان و مسائل آخرالزمانی بیاموزد، هستیم.

اما مکاشفه چیزی فراتر از آخرالزمان است. ما قبلاً دیده‌ایم که یکی از غنی‌ترین مسیح‌شناسی‌ها را در کتاب مقدس، در عهد جدید، دارد. اما در سراسر مکاشفه، اشارات متعددی به روح القدس نیز می‌بینیم.

یعنی، روح القدس نقش کلیدی ایفا می‌کند. و یک بار دیگر، من فکر می‌کنم که می‌بینیم روح القدس از نظر چگونگی تحقق بخشیدن به آن، چگونگی سازگاری آن با طرح تاریخی-رستگاری خداوند، نقشی ایفا می‌کند جایی که روح القدس اکنون نشانه‌ای از فرا رسیدن عصر جدید نجات است. نقطه شروع این است که توجه کنیم که کتاب مکاشفه با تعدادی اشاره به یوحنا، نویسنده، که در روح است، برجسته شده است.

بنابراین، می‌توانید فصل ۱ و آیه ۱۰، فصل ۴ و آیه ۲، فصل ۱۷ و آیه ۳، و فصل ۲۱ و آیه ۱۰ را یادداشت کنید و بعداً به آنها مراجعه کنید. همه اینها به این اشاره دارند که یوحنا در متن رؤیایی که دیده، در روح بوده است. من به سادگی اولین مورد را در فصل ۱ و آیه ۱۰ می‌خوانم.

اما یوحنا می‌گوید، در روز خداوند، من در روح بودم، و سپس صدای بلندی از پشت سرم شنیدم، و سپس، در آیه ۱۲ برمی‌گردد تا ببیند چه کسی صحبت می‌کرد. و اگر به تمام آن ارجاعات دیگر، فصل ۴ و آیات ۲ و آیات ۳، ۲۱ و آیه ۱۰ نگاه کنید، همه آنها در زمینه رؤیایی است که یوحنا دیده است. یوحنا در ادامه ۱۷ آنچه را که دیده است ثبت می‌کند.

به عبارت دیگر، اهمیت اینجا این است که این رؤیایها از طریق روح القدس به یوحنا منتقل می‌شوند. بنابراین، رؤیایهای یوحنا به او می‌رسند یا توسط روح یا در حالی که او در روح خداست به او منتقل می‌شوند. به نظر من، این عبارت احتمالاً مستقیماً از کتاب حزقیال آمده است.

در واقع، تعدادی اثر، کتاب و مقاله وجود دارد که نشان داده‌اند یوحنا، در سراسر کتاب مکاشفه، به شدت به حزقیال و سایر کتب عهد عتیق، مانند اشعیا و دانیال و دیگران، اما به ویژه حزقیال، وابسته است. در فصل‌های ۲۱ و ۲۲ دیدیم که یوحنا به شدت به حزقیال ۴۰ تا ۴۸ وابسته است. اما در سراسر کتاب حزقیال، برای مثال، می‌بینیم که روح القدس حزقیال را با خود می‌برد تا چیزهای مختلف یا در چارچوب رؤیایهای مختلف ببیند.

بنابراین، برای مثال، در کتاب حزقیال، فصل ۲ و آیه ۲ یکی از آنها خواهد بود. در کتاب حزقیال، فصل ۲ و آیه ۲، این را می‌یابیم. حزقیال ۲:۲، همانطور که صحبت می‌کرد، ظاهر مردی را دید و آن مرد به او گفت. فصل ۲ آیه ۱، ای پسر انسان، بر پاهای خود بایست و من با تو صحبت خواهم کرد.

همانطور که او صحبت می‌کرد، روح القدس به من نازل شد و مرا روی پاهایم بلند کرد و شنیدم که او با من صحبت می‌کند. فصل ۳۷ و آیه ۱ از کتاب حزقیال، در زمینه‌ی رؤیای حزقیال از دره‌ی استخوان‌های خشک که در مورد آن صحبت کردیم، دست خداوند بر من بود و او مرا به وسیله‌ی روح خداوند بیرون آورد و در میان دره‌ای پر از استخوان قرار داد. بنابراین، در کتاب حزقیال، روح القدس وسیله‌ای است که حزقیال از طریق آن رؤیا می‌بیند.

بنابراین اکنون یوحنا رؤیاهای خود را با اشاره به روح القدس نیز برجسته می‌کند. من فکر می‌کنم با نشان دادن ارتباط او با متن نبوی، رؤیای او را باید در همان راستا و به همان سبک رؤیاهای نبوی عهد عتیق دید. به یک معنا، یوحنا ردای حزقیال را بر دوش می‌کشد.

او رؤیایی مانند رؤیای خود می‌بیند. همان روحی که رؤیای حزقیال را الهام بخشید، اکنون رؤیای یوحنا را نیز الهام می‌بخشد. بنابراین، روح القدس نقش کلیدی در رؤیاهایی که به یوحنا منتقل می‌شود، ایفا می‌کند.

وظیفه روح القدس صحبت کردن با کلیساها به شیوه‌ای سازگار با زبان سخن گفتن و کلام خداست. ما روح القدس را در حال صحبت با کلیساها می‌بینیم. فصل‌های ۲ و ۳، که در واقع از نظر فنی نامه نیستند، بلکه پیام‌های نبوی یا اعلامیه‌های نبوی کلیساها هستند، از روی سخنرانی‌های نبوی، زبان مسیح قیام کرده به کلیساها که یوحنا قرار است به آنها منتقل کند، الگوبرداری شده‌اند.

در پایان هر یک از آن هفت پیام، اشاره‌ای به صحبت روح القدس با کلیساها می‌یابیم. من فقط می‌خواستم یک مثال برای شما بزنم که بعد از هر یک از هفت پیام تکرار می‌شود. آیه ۱۱ از فصل ۲. آیه ۱۱ از فصل ۲. هر که گوش دارد، بشنود که روح القدس به کلیساها چه می‌گوید. ۲.

بنابراین، جالب اینجاست که سخنان مسیح، سخنان مسیح برخاسته به کلیساها در قالب این هفت پیام، در نهایت به سخنان روح تبدیل می‌شود. کلیسا فراخوانده شده است تا به آنچه روح از طریق این پیام‌ها به کلیساها می‌گوید گوش دهد و بشنود. بنابراین، دوباره، آن روح آخرالزمانی که اکنون نازل شده است، با کلیساها صحبت می‌کند و پاسخی از اطاعت را از سوی مردم فرا می‌خواند.

یکی دیگر از اشارات جالب در این زمینه، مکاشفه فصل ۲۲ و آیه ۱۷ است. مکاشفه ۲۲، آیه ۱۷. روح و عروس می‌گویند.

پس، دوباره به صحبت روح القدس توجه کنید. هر که می‌شنود بگوید «بیا». «هر که تشنه است بیاید و هر که آرزو دارد، از آب حیات، هدیه‌ای رایگان بگیرد.

بنابراین، دوباره، روح صحبت می‌کند. روح کسی است که با کلیسا صحبت می‌کند و پاسخی را فرا می‌خواند. شاید در ارتباط با آن، در مکاشفه به روح نبوت نیز اشاراتی پیدا کنید.

باز هم، نبوت از روح القدس الهام گرفته شده است. اما علاوه بر روح القدس که با کلیساها صحبت می‌کند، دو مرجع دیگر نیز وجود دارد که می‌خواهم توجه خود را به آنها معطوف کنم، روحی که الهام‌بخش مکاشفه نبوی یوحنا و رؤیای آخرالزمانی او بود، و روحی که پیامبران را الهام می‌بخشد. می‌خواهم به دو مرجع دیگر نیز نگاهی بیندازم.

یکی از آنها بسیار واضح است. دیگری بیشتر به صورت اشاره است. اما در مکاشفه، از فصل ۱ و آیه ۴، این اشاره بسیار جالب را می‌یابیم.

باب ۱ و آیه ۴ مکاشفه. یوحنا، به هفت کلیسا در استان آسیا، فیض و آرامش از جانب او که بود، هست بود و خواهد آمد و از جانب هفت روح در پیشگاه تخت، بر شما باد. همین اشاره را در رؤیای آغازین یوحنا از اتاق تخت در باب‌های ۴ و ۵ می‌یابیم. در باب ۴، از تخت، برق‌های آذرخش، غرش‌ها و غرش‌های رعد به گوش رسید.

در مقابل تخت، هفت چراغ فروزان بود که هفت روح خدا هستند. همین موضوع را در باب ۵ آیه ۶ می‌بینیم. در رؤیای یوحنا از بره، او بره ای را می‌بیند که مانند قربانی شده، در مرکز تخت ایستاده است. و سپس می‌گوید، بره هفت شاخ و هفت چشم داشت که هفت روح خدا هستند که به زمین می‌روند.

بنابراین، شما این اشاره عجیب به هفت روح را می‌بینید. و سوال این است که اینها چه هستند یا این هفت روح چه کسانی هستند؟ برخی گفته‌اند که اینها صرفاً موجودات فرشته‌ای هستند. اما من استدلال می‌کنم که اینها احتمالاً موجودات فرشته‌ای نیستند.

دلیلش این است که در همان اولین اشاره در فصل ۱ و آیه ۴، اشاره به هفت روح، به تعبیر الهیات سیستماتیک، در یک فرمول تثلیثی صورت می‌گیرد. آن کسی که بود و هست و خواهد آمد، هفت روح. و سپس نفر بعدی پسر، عیسی مسیح، بره است.

بنابراین، اشاره به هفت روح احتمالاً در فصل ۱ و در فصل‌های ۴ و ۵، اشاره‌ای به روح‌القدس است. با اشاره به هفت روح، فکر نمی‌کنم نویسنده بگوید که در واقع هفت روح جداگانه به معنای واقعی کلمه وجود دارد، اما هفت در مکاشفه، مفهوم نمادین کامل بودن و کمال را در خود دارند. بنابراین در اینجا هفت روح را نماد کامل بودن، کمال و قدرت روح خدا می‌یابیم که اکنون هدف خدا را در جهان به انجام خواهد رساند.

احتمالاً باید منظور از اشاره به روح‌القدس در دو شاهد در مکاشفه فصل ۱۱ را بفهمیم. در مکاشفه فصل یوحنا رویایی از دو شاهد می‌بیند و من قصد ندارم زیاد وارد جزئیات این متن شوم، و نمی‌توانم از دلیل ۱۱، آن دفاع کنم، اما برداشت من این است که دو شاهد در مکاشفه نماد کلیسا، کل قوم خدا هستند، و شما می‌توانید، تعدادی از تفاسیر برای این موضوع استدلال می‌کنند، اما دو شاهد نماد کلیسا هستند. دو اشاره جالب به روح.

مورد اول، در فصل ۱۱ و آیه ۱۱، پس از شهادت و مرگ دو شاهد، روح یا نفس خدا وارد آنها می‌شود و آنها را بالا می‌برد، که در واقع اشاره‌ای به فصل ۳۷ حزقیال است. دره استخوان‌های خشک، جایی که آنها بلند می‌شوند و گوشت می‌گیرند، و نفس روح خدا وارد آنها می‌شود و به آنها حیات می‌بخشد. بنابراین، دو شاهد به دلیل رنجشان یا در مواجهه با رنجشان، در تحقق فصل ۳۷ حزقیال، تبرئه می‌شوند.

بنابراین، می‌بینیم که روح‌القدس به قوم شهید خدا، به قوم رنج‌دیده خدا، حیات رستاخیز می‌بخشد و آنها را تبرئه می‌کند. اما اشاره دوم به روح، علاوه بر اشاره به حزقیال ۳۷، که به برانگیختن و حیات بخشیدن روح اشاره دارد، جالب اینجاست که دو شاهد به عنوان یک چراغدان معرفی شده‌اند. این لحن فصل ۱۱، که این شاهدان را به عنوان یک چراغدان معرفی می‌کند، به زکریا فصل ۴ برمی‌گردد. یک متن جالب در زکریا فصل آیه ۶ است، جایی که زکریا می‌گوید که این کار نه به قدرت، نه به قدرت، بلکه به نقل از کلام خدا، بلکه ۴، به روح من است، خداوند می‌گوید.

بنابراین، من اینطور برداشت می‌کنم که نویسنده با اشاره به زکریا ۴، می‌گوید که این روح‌القدس است که شهادت قوم خدا را ممکن و توانمند می‌سازد، این دو شاهد نماد کلیسا هستند. اما آنها این کار را نه از طریق زور و قدرت، بلکه جالب اینجاست که آنها این کار را از طریق رنج خود انجام می‌دهند. اما حتی از طریق رنج

آنها، شهادت وفاداران، این روح خداست که از زکریا ۴ آمده است، این روح خداست که آنها را قادر به انجام این کار می‌کند.

نه به قدرت، نه به قدرت، بلکه به روح من است، خداوند می‌گوید، که اکنون دو شاهد او اهداف او را در جهان به انجام می‌رسانند. بنابراین، کتاب مکاشفه فقط کتابی درباره آخرالزمان نیست، بلکه روح القدس از ابتدا تا انتها در الهام بخشیدن به رؤیایی که یوحنا دارد، در دعوت کلیسا به اطاعت، و حتی در توانمندسازی، شاهد رنج کشیده و وفادار رنج کشیده کلیسا، نقش حیاتی ایفا می‌کند. روح القدس روح هفت گانه، قدرتمند، کامل و بی‌نقص خدا را به انجام می‌رساند و هدف خدا را بر روی زمین در تحقق پادشاهی او محقق می‌کند.

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ۲۵ در مورد روح القدس، بخش ۲ است.